

به نام خدا

ماهنامه کاوش (۳۳)

فهرست مطالب

- ۱..... سخن نخست
- ۲..... حاشیه‌نشینی کافی نیست
- ۶..... معمای هسته‌ای ایران پس از انتخابات ۱۲ ژوئن
- ۸..... شبیه‌سازی مذاکرات آمریکا و ایران
- ۱۰..... تهدید فزاینده ایران
- ۱۲..... ایران، چین و چماق اسرائیلی
- ۱۵..... ریشه همه ترس‌ها
- ۱۷..... تحریم ایران فقط در صورتی که آسان باشد
- ۱۹..... ایران با تحریم‌های بیشتری مواجه می‌شود
- ۲۱..... ایران و سخنرانی سالیانه اوباما در کنگره: بازگشت به آینده
- ۲۲..... غرب سیاست خود در قبال ایران را تغییر دهد
- ۲۵..... آیا زمان خروج ایران از NPT رسیده است؟
- ۲۹..... روحانیت، سپاه و ورای آن: فهم پویش‌های حکومت در ایران
- ۳۱..... راه‌حل قدرت نرم در ایران
- ۳۵..... جمهوری‌هراسی ایرانیان
- ۳۷..... افکار عمومی عربستان حامی تحریم ایران و مردد در حمله نظامی به آن است
- ۳۹..... مصر و ایران: سی‌سال بیگانگی

کد موضوعی: ۲۶۰

شماره مسلسل: ۱۰۱۳۷

دفتر: مطالعات سیاسی

بهمن‌ماه ۱۳۸۸



یکی از مهمترین مسائل مؤثر در حوزه سیاستگذاری خارجی، درک شرایط بین‌المللی و اتخاذ سیاست‌های مناسب در پرتو شناخت پشتوانه‌های فکری قدرت‌های رقیب است. این مسئله از طریق آگاهی از رویکردها، برداشتها و نگرش‌های سایر بازیگران منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای نسبت به تحولات نظام بین‌الملل به دست آمده و نقش مهمی در روند تصمیم‌سازی یک سیاست خارجی مؤثر می‌تواند داشته باشد، بدین منظور ماهنامه کاوش با هدف انتقال چکیده مهمترین مباحث تحلیلی و خبری گروه‌های فکری و پژوهشی و رسانه‌های معتبر بین‌المللی، تلاش دارد تا به بررسی عمده‌ترین مطالب ماه گذشته بسیاری از مجلات علمی، سایت‌ها و پایگاه‌های تحلیلی غربی در قبال مسائل ایران بپردازد. براین اساس، در شماره ۳۳ ماهنامه کاوش به مقالاتی در مورد برنامه هسته‌ای ایران و رویکردها و نگرش‌های مختلف منطقه‌ای و فرامنطقه‌ای در قبال آن و سایر موضوعات جدید مرتبط با روابط خارجی ایران و کشورهای منطقه پرداخته شده است. مسلماً درج این مطالب و تحلیل‌ها تنها جهت اطلاع و مراجعه بعدی اندیشمندان و محققان محترم بوده و به منزله قبول و تأیید آنها از جانب دفتر مطالعات سیاسی نیست. ماهنامه کاوش جهت تقویت و بهبود رویه خود از پیشنهادهای و انتقادات اندیشمندان محترم استفاده می‌کند.



عنوان: حاشیه‌نشینی کافی نیست^۱

نویسنده: ریچارد هاس

منبع: Newsweek^۲

رویکرد حاکم بر سیاست‌ها و رفتارهای آمریکا در قبال جهان، مبتنی بر دو مکتب فکری واقع‌گرایی و نئومحافظه‌کاری است که با یکدیگر در رقابتند: واقع‌گرایان بر این باورند که آمریکا باید بیشتر مراقب سیاست خارجی کشورها باشد. اما نئومحافظه‌کاران با استناد به دلایل اخلاقی و اصل صلح دمکراتیک، بر این باورند که مهمترین اصل در روابط خارجی آمریکا و جهان، ماهیت و ذات رژیم‌های حاکم بر کشورهاست و اینکه داخل این کشورها چه خبر است. اما باید قبول کرد که تغییر رژیم تنها در حرف آسان است و عمل به آن سخت است.

بعد از حادثه ۱۱ سپتامبر، دولت بوش در قضاوتی اشتباه، ایران را در آستانه یک انقلاب فرض و لذا مذاکره مستقیم با تهران را رد کرد و بر این باور بود که محور شرارت به‌زودی توسط جریان تاریخ از صحنه بدر خواهد شد. نتیجه این رویکرد دولت بوش این شد که فرصت ارزشمند مهار تمایلات هسته‌ای ایران از دست رفت.

از سوی دیگر دولت اوباما، رویکردی مخالف را برگزید و تمایلش را برای گفتگوی بدون پیش‌شرط با ایران اعلام کرد. اوباما همانند بوش پدر که بعد از حادثه میدان تیان‌آن‌من چین بلافاصله نمایندگان را به این کشور گسیل کرد، به جای فاصله گرفتن از ایران، لباس واقع‌بینی را از تن درآورد و دست خود را به سمت ایران دراز

1 Richard Hass, "Enough Is Enough", Newsweek, 22 January, 2010.

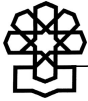
۲. نیوزویک یکی از نشریات پر تیراژ و معتبر آمریکایی در حوزه روابط بین‌الملل است.



کرد. او باما اعتقاد داشت که اگر دیپلماسی ناکام ماند، آنگاه جلب حمایت در داخل آمریکا برای تحریم‌های شدیدتر علیه ایران در عرصه بین‌الملل با سهولت بیشتری همراه خواهد بود.

در این میان، به نظر می‌رسد ایرانی‌ها تمایل دارند همچنان به تداوم ساخت سلاح هسته‌ای بپردازند چنانچه نیروگاه سری فردو که در قم کشف شد بر این مدعا صحه می‌گذارد. با این وجود، به نظر می‌رسد که خوشبختانه برنامه هسته‌ای ایران با موانعی مواجه شده است و همین مسئله است که موضوع تصمیم‌گیری برای یک حمله بازدارنده علیه تأسیسات هسته‌ای ایران را به تأخیر انداخته است. در این شرایط، آمریکا باید بر روی راه‌حلی دیگر یعنی پیش بردن ایران به سمت ایجاد تغییرات عمیق سیاسی، تمرکز کند، حرکتی که پس از انتخابات اخیر ایران آغاز شده و در ۳۰ سال انقلاب ایران بی‌سابقه بوده است.

براین اساس، اکنون آمریکا، اروپا و سایر کشورها باید سیاست‌های خود را در قبال ایران به سمت ایجاد تغییرات سیاسی متمرکز سازند. رهبران این کشورها باید حمایت و احقاق حقوق مردم ایران را در اولویت سیاست‌های خارجی‌شان قرار دهند. چنانچه او باما در تاریخ ۲۸ دسامبر یعنی یک روز بعد از حوادث خونین روز عاشورا، این کار را انجام داد. این اقدام باید توسط کنگره آمریکا و رهبران جهان هم پیگیری شود و سپاه پاسداران انقلاب ایران باید تحت تحریم قرار گیرد. همچنین فهرست دارایی‌های نقدی سپاه در حساب‌های بانکی باید در شبکه اینترنت منتشر شود. آمریکا باید به اتحادیه اروپا و سایر کشورها فشار وارد آورد که با سپاه پاسداران و موجودیت‌های تحت قلمرو آن هرگز وارد تجارت نشوند. برای مثال، با توجه به اینکه



سپاه پاسداران در حال حاضر قسمت عمده سهام شرکت مخابرات را در اختیار گرفته است، هیچ شرکتی بدون کسب مجوز از شرکت مخابرات حق بهره‌گرفتن از فناوری رصد کردن و یا بستن شبکه‌های اینترنت را ندارد. بنابراین هر نوع تعامل با آن باید مورد ملاحظه قرار گیرد. ازسوی دیگر اسناد جدیدی که در دانشگاه ییل آمریکا به دست آمده حاکی از نقض آشکار حقوق بشر در ایران است. بنابراین اگر دولت آمریکا از تصمیمش برای توقیف دارایی‌های ایران منصرف نشده است باید نهادها و اشخاص ثروتمند حقیقی را تحت نظر قرار دهد. زیرا این‌گونه مصوبات می‌تواند برخی از اعضای سپاه و گروه چند میلیونی شبه نظامی بسیج را از دست زدن به حمله و یا شکنجه افراد اپوزیسیون منع سازد. در این زمینه، حداقل این اقدام به ایران نشان می‌دهد که جهان نظاره‌گر رفتار آن است. ازسوی دیگر باید مطالبات مردم برجسته شود. در این زمینه، اینترنت وسیله‌ای برای کسب اطلاع از رخدادهای داخل ایران و بهترین وسیله برای ایجاد ارتباط میان افراد مختلف اپوزیسیون ایران است. باید توجه داشت که اپوزیسیون هم که شغل و منابع درآمد خود را از دست داده است نیازمند حمایت مالی از سراسر کشور است تا بتواند همچنان در عرصه سیاسی فعالانه حاضر باشد. ما نیز باید بدانیم چه کارهایی را باید و چه کارهایی را نباید انجام دهیم. در این زمینه، کنگره و دولت آمریکا باید از تماس با نظام ایران پرهیز کنند و همه کمک‌ها به اپوزیسیون باید در جهت پرهیز از خشونت باشد. دولت‌های غربی باید فقط نقش حمایت‌کننده از اپوزیسیون و نه رهبری آن را ایفا کنند. خارجی‌ها باید سایر اهداف مشخص سیاسی در قبال ایران را کنار گذاشته و همه توجه خود را معطوف به حمایت از دمکراسی و پایان یافتن خشونت‌ها و بازداشت‌های غیرقانونی در ایران



سازند. ازسوی دیگر در شرایطی که تحریم فروش بنزین و تحریم پالایشگاهی ایران، درحال حاضر در کنگره در دست بحث و بررسی قرار دارد، این طرح باید در سازمان ملل مطرح شود تا توجه بین‌المللی به رفتارهای غیرقانونی ایران و نه یک‌جانبه بودن تحریم‌های آمریکا علیه ایران معطوف شود گفتگوهای کاری در موضوع هسته‌ای ایران نیز باید ادامه پیدا کند. اما اگر دستاوردی غیرمنتظره در این بحث‌ها حاصل شد باید دامنه امتیازدهی به ایران محدود شود. عادی‌سازی کامل روابط آمریکا با ایران باید به ایجاد اصلاحات معنادار سیاسی در ایران منوط گردد ضمن آنکه تهران نیز متعهد به قطع حمایت از تروریسم شود. ازسوی دیگر با توجه به اینکه به اعتقاد منتقدان، تلاش برای ایجاد تغییرات سیاسی در رژیم، این حربه را علیه اپوزیسیون به رژیم می‌دهد که اپوزیسیون را نوکر غرب معرفی کند. بنابراین، رفتارهای خارجی‌ها باید در جهت تقویت اپوزیسیون و تعمیق شکاف در سطوح رده بالای رهبران ایران باشد. مجموعه این اقدامات سبب خواهد شد که در بلندمدت و بعد از دهه‌ها، شاهد ظهور ایرانی باشیم که حتی اگر هم یک کشور سرمشق نباشد، حداقل کشوری باشد که دارای رفتاری بهتر، هم در داخل و هم در خارج است. به اعتقاد واقع‌گرایان، این فرصتی مغتنم است که نباید آن را از دست داد.



عنوان: معمای هسته‌ای ایران پس از انتخابات ۱۲ ژوئن^۱

نویسنده: شهرام چوبین

منبع: The Washington Quarterly^۲

تلاش‌های صورت‌گرفته از سال ۲۰۰۱ برای متوقف و یا حتی کند کردن روند فعالیت‌های هسته‌ای ایران بی‌نتیجه بوده و این امر موجب فوریت و اولویت مسئله در نظام بین‌الملل شده است. در واقع، نه تهدید تنبیه و نه وعده پاداش نتوانسته‌اند در این زمینه اثرگذار باشند، زیرا هرچه تهدید بیشتر شود جامعه ایران در حمایت از رژیم - که انتقادات فراوانی هم به آن دارند - متحدتر می‌شوند. در این شرایط، ارائه مشوق برای توقف فعالیت‌های هسته‌ای، موجب تزلزل بنیادهای سیاست خارجی آن، که مبتنی بر تخاصم و مقاومت در برابر جهان است می‌گردد. علاوه‌بر این، ایران از دوستی آمریکا و غرب، بیش از خصومت آن می‌ترسد. معمای کنونی آمریکا این است که نه اقدام نظامی و نه مسیر دیپلماتیک، دستاورد سریعی در این رابطه نخواهند داشت. این معما پس از انتخابات اخیر که موجب بروز شکاف در بین نخبگان حاکم و در داخل جامعه گردید، تشدید شده است. همچنین این انتخابات باعث شد که منفعت نوظهور ایران در تعامل تاکتیکی با غرب یعنی مذاکرات ژنو هویدا گردد. با ورود به عرصه چنین تعاملاتی، رژیم ایران امیدوار است از یک طرف فشارهای خارجی را کم کند و از طرف دیگر مشروعیت کسب کند و مخالفان سیاسی خود را به عقب براند. با این‌حال و برخلاف آنچه عموماً گفته می‌شود، سیاست هسته‌ای ایران نه تنها به‌صورت

1. Shahram Chubin, "The Iranian Nuclear Riddle after June 12", The Washington Quarterly, Winter, 2010.

۲. فصلنامه واشتینگتن، از فصلنامه‌های معتبر در حوزه سیاست بین‌الملل است.



عمومی و علنی بحث نشده است، بلکه دارای اختلاف نظرها و شکاف‌های قابل توجهی است که خود، تحت مقوله این سؤال قرار دارد که اساساً ایران باید چگونه رابطه‌ای با جهان خارج داشته باشد. در این رابطه، بین کسانی که خواهان ورود و تعامل بیشتر با جامعه بین‌الملل به‌عنوان یک دولت عادی و کسانی که خواستار دستیابی به سلاح هسته‌ای برای رویارویی مؤثر با غرب به‌عنوان اهرم توازن‌بخش هستند، تفاوت‌های جدی وجود دارد. دولت اوپاما باید خصلت تاکتیکی این‌گونه اقدامات و پاسخ‌های ایران را درک کند. واشنگتن باید درک کند که در داخل ایران گروه‌هایی هستند که خواستار تعامل عادی با جهان براساس احترام متقابل هستند. اینها برای غرب، مخاطبانی قابل اعتمادترند که پتانسیل ایجاد دولتی متکثرتر، پاسخگوتر، بازتر، اهل تحمل و بردباری بیشتر و قابل اعتمادتر برای توافقات پایدار و جامع را دارا هستند. لذا آمریکا باید با تمرکز بیشتر بر دیپلماسی عمومی به مردم ایران بفهماند که منفعت آمریکا در قبال ایران همانند همه کشورهای دیگر شامل دموکراسی، حقوق بشر و حکومت قانون در ایران است.



عنوان: شبیه‌سازی مذاکرات آمریکا و ایران^۱

نویسنده: افرایم اسکولا، امیلی لندوا و تمار مالزگینزبرگ

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

اگرچه بسیاری از شبیه‌سازی‌های مرتبط با مسائل امنیتی براساس «بازی جنگ» طراحی شده‌اند، اما شبیه‌سازی مذاکرات ایران و آمریکا بر گزینه نظامی آمریکا علیه ایران متمرکز نشده و با محوریت مذاکرات دو جانبه آنان در مورد فعالیت‌های هسته‌ای ایران تنظیم شده است. در این میان، با پایان مهلت یک‌ساله اوپاما برای تعامل دیپلماتیک با ایران، هم‌اکنون زمان ارزیابی سیاست وی فرا رسیده است، بنابراین یک شبیه‌سازی برای درک چگونگی مذاکرات آمریکا با ایران و بهترین گزینه برای اسرائیل صورت گرفته است. در این شبیه‌سازی، سه طرف بازی شامل ایران، آمریکا و اسرائیل است.

تیم ایران و آمریکا شامل دو گروه مذاکره‌کننده مستقیم و تصمیم‌گیرندگان پشت‌پرده است. در این میان، بازیگران دیگری مانند اروپا، روسیه، چین، کشورهای حوزه خلیج فارس، مصر و آژانس انرژی اتمی نیز وجود دارند. از سوی دیگر، بازی موجود میان ایران و آمریکا نیز تنها بر مسئله هسته‌ای آن متمرکز نشده است.

با این وجود با شروع بازی، دو طرف به محدودسازی حوزه بازی پرداختند و ایران با استفاده از شرایط، ذهنیت بازیگران را از تأسیسات هسته‌ای خود به راکتور

1. Ephraim Asculai, Emily Landau, Tamar Malz - Ginzburg, "U.S - Iran Negotiations: Simulation Exercise at INSS Insight", No 154, 29 December, 2009.

۲. مؤسسه مطالعات امنیت ملی از مهمترین مراکز پژوهش در حوزه مسائل امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل است.



تحقیقاتی‌اش محدود کرد. در این شرایط، باید توجه داشت که هدف ایران، دستیابی به سلاح هسته‌ای است و در این میان، تاکتیک‌های متعددی برای مواجهه با جامعه جهانی طراحی شده است، اما در طرف مقابل، آمریکا و همچنین اسرائیل اگرچه خواهان جلوگیری از هسته‌ای شدن ایران هستند، اما فاقد اهداف مشخص و انسجام در استراتژی در تعامل با ایران هستند که این مسئله به نفع ایران و عملاً نوعی خرید زمان از سوی ایران است.

در این شرایط، ایران به نسبت آمریکا در موقعیت برتری در بازی مذاکرات قرار دارد، زیرا او باما جرأت اقدام نظامی علیه ایران را ندارد و این اجازه را به اسرائیل نیز نمی‌دهد؛ لذا ایران نیز به تداوم فعالیت‌هایش تا زمانی که خطر نابودی نظام آن وجود ندارد ادامه می‌دهد. این مسئله نشان می‌دهد که آمریکا در مذاکراتش از چماق اسرائیل و تهدید اقدام یک‌جانبه آن علیه تأسیسات هسته‌ای ایران نیز به خوبی استفاده نمی‌کند. در واقع این موضوع به دلیل تفاوت نگرش آمریکا و اسرائیل به مسئله هسته‌ای ایران و تغییر رژیم آن می‌باشد. از سوی دیگر بازیگران دیگر مؤثر در مذاکرات ایران و آمریکا یعنی اروپا نیز در مهار ایران ناتوان هستند و فعالیت‌های هسته‌ای ایران همچنان علیرغم تداوم مذاکرات برای توقف آن ادامه دارد. در این شرایط در آستانه سال ۲۰۱۰ این سؤال مطرح است که تا چه زمانی او باما به این سیاست خود ادامه خواهد داد؟ در این وضعیت اگرچه او باما باید استراتژی خود در مذاکره با ایران را بهبود بخشد، اما سیاستمداران اسرائیلی نیز با توجه به عدم جدیت او باما در نتیجه‌گیری از مذاکرات، بهترین گزینه مؤثر برای منافع اسرائیل را باید در دستور کار خود قرار دهند.



عنوان: تهدید فزاینده ایران^۱

نویسنده: آنتونی کردزمن

منبع: Center for Strategic and International Studies^۲

نویسنده در این گزارش، تلاش ایران برای دستیابی به سلاح هسته‌ای را تنها بخشی از فعالیت‌ها و اقدامات نظامی و در سطح وسیع‌تر نوعی رقابت با همسایگان و غرب می‌داند و تأکید می‌کند که اگرچه مسلماً دستیابی ایران به سلاح هسته‌ای موج بی‌ثباتی در منطقه خاورمیانه را به وجود می‌آورد، اما این مسئله تنها بخشی از یک مشکل بزرگ‌تر محسوب می‌شود، زیرا با موفقیت ایران در دستیابی به سلاح هسته‌ای، این کشور ناسیونالیست‌تر و رادیکال‌تر خواهد شد. از نظر نویسنده در این شرایط تنها با یک سیاست تلفیقی از مذاکره و اعمال فشار از طریق تحریم‌ها می‌توان ایران را مهار کرد و از خطر مسابقه تسلیحاتی و بحران در منطقه جلوگیری کرد. در این میان، نویسنده تأکید می‌کند که باید توجه داشت برنامه‌های نظامی ایران در سطوح و انواع مختلف پیگیری می‌شود و این کشور به دنبال تقویت توان رزمی خود در یک جنگ نامتقارن، دستیابی به سلاح‌های کشتار جمعی و سلاح‌های متعارف است. در ادامه گزارش، نویسنده به بررسی توانایی‌های ایران در هر یک از این حوزه‌ها و پیشینه فعالیت آن و قابلیت‌های آن می‌پردازد، چنانچه در مورد توانمندی ایران در جنگ نامتقارن تأکید می‌کند که ایران با استفاده از سلاح‌های مختلف و نیروهای متعددی که دارد می‌تواند به عملیات نامتقارن دست زند. در این زمینه از نظر نویسنده، اقدامات

1. Anthony Cordesman, "Iran's, Evolving Threat", Center for Strategic and International Studies, 21 January, 2010.

۲. مرکز مطالعات بین‌المللی استراتژیک، از مراکز مهم پژوهش در حوزه سیاست بین‌الملل است.



ایران در جنگ تحمیلی از جمله در جنگ نفت‌کش‌ها و عملیات در خلیج فارس، استفاده از نیروهای سپاه قدس در عراق، مانورهای نیروهای نظامی ایران در خلیج فارس، استفاده از نیروهای حزب‌الله لبنان و ... بخشی از این موضوع است.

نویسنده تأکید می‌کند که مجموعه این قابلیت‌های ایران به‌ویژه توانمندی جنگ نیابتی و عملیات نامتقارن آن، به این کشور اجازه فعالیت وسیعی در منطقه در مقابل آمریکا می‌دهد و مسلماً دستیابی به سلاح کشتار جمعی، هرگونه اقدام نظامی آمریکا علیه آن را نیز غیرممکن می‌سازد. در ادامه گزارش، نویسنده به بررسی تأثیرات فعالیت‌های نظامی ایران بر همسایگان و سایر کشورهای خاورمیانه می‌پردازد و به تفکیک به بررسی اقدامات ایران برای نفوذ در منطقه می‌پردازد. چنانچه مثلاً از نظر نویسنده، ایران در عراق در صدد افزایش نفوذ بر دولت این کشور و نقش مؤثر در امنیت‌سازی عراق و آینده سیاسی - اقتصادی آن است. نویسنده در ادامه گزارش به بررسی سیاست ایران در قبال سایر کشورها و مناطق از جمله پاکستان و افغانستان، اروپا، آسیای مرکزی و ... نیز می‌پردازد و اهداف و سیاست‌های ایران را برمی‌شمرد. در پایان گزارش، نویسنده تأکید می‌کند که اقدامات امنیتی ایران باید مورد توجه قرار گیرد. با این وجود با توجه به اینکه اقدام نظامی برای توقف فعالیت‌های ایران خطرات بسیاری دارد باید به‌عنوان آخرین گزینه در مهار ایران به آن نگریست، بنابراین باید اقدام هماهنگ برای مذاکره و اعمال فشار از طریق تحریم علیه ایران توسط همسایگان این کشور و غرب صورت گیرد.



عنوان: ایران، چین و چماق اسرائیلی^۱

نویسنده: ایورن یرام

منبع: The Institute for National Security Studies^۲

اگرچه باراک اوباما در دیدار رئیس‌جمهور چین، بر ضرورت توقف برنامه هسته‌ای ایران برای جلوگیری از اقدام یک‌جانبه اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران هشدار داده بود، اما به نظر می‌رسد که این تهدید مؤثر نبوده و نفوذ بر سیاست‌های چین در قبال ایران و در کل خاورمیانه محقق نشده است. در واقع تاکنون این‌گونه تصور شده است که منافع اقتصادی چین در خاورمیانه و به‌ویژه منافع این کشور در قبال ایران و تلاش آن برای تضمین دریافت انرژی از منطقه خلیج فارس به‌منظور تداوم رشد اقتصادی آن است که سبب همگرایی چین و ایران شده است که البته این مسئله با افزایش مصرف انرژی در چین و تبدیل آن به سومین واردکننده انرژی در جهان در سال ۲۰۰۸ نیز تشدید شده است، اما دلایل دیگری در حمایت چین از ایران وجود دارد، زیرا چین پیشنهاد عربستان برای تأمین انرژی ارزان‌تر نسبت به آنچه این کشور از ایران دریافت می‌کند را نپذیرفته است. این درحالی است که اگر هدف اصلی چین، تأمین انرژی باشد، نفت ایران یا عربستان تفاوتی ندارد. بنابراین چین باید منافع دیگری در ایران و نیز در خاورمیانه داشته باشد.

در این میان به نظر می‌رسد که چهار دلیل زیر را می‌توان در توجیه این سیاست

1 Evron Yoram, "Iran, China and the Israeli Stick", INSS Insight, No 150, 22 December, 2009.

۲. مؤسسه مطالعات امنیت ملی از مهمترین مراکز پژوهشی در حوزه مسائل امنیت ملی و سیاست خارجی اسرائیل است.



چین مورد بررسی قرار داد. اولین مسئله، تمایل چین برای معرفی خود به عنوان یک قدرت بین‌المللی است که در مقابل سیاست‌های ایالات متحده آمریکا، رویکردهای جایگزین و متفاوتی را در دستور کار خود قرار داده است. بنابراین چین درصدد کسب حمایت کشورهای در حال توسعه‌ای است که بسیاری از آنان تحت فشار آمریکا برای ایجاد تغییرات داخلی یا خارجی قرار دارند. دومین عامل، تلاش چین برای تنوع‌بخشی به منابع نفتی در دسترس است. در واقع چین با سرمایه‌گذاری‌های کلان در کشورهای مختلف درصدد دستیابی به منابع متعدد انرژی در آینده است که ایران یکی از آنان محسوب می‌شود. عامل سوم با توجه به اهمیت منطقه خلیج فارس و افزایش قیمت نفت و تمایل چین برای گسترش نفوذ در این منطقه قابل توجه است. در واقع چین، خاورمیانه را به عنوان محل منازعه با آمریکا قرار داده و با توجه به درک اجتناب‌ناپذیر گسترش حضور در خاورمیانه، مقدمات حضور و نفوذ در این منطقه را مهیا کرده است. براساس این، چهارمین عامل مهم نیز تلاش چین در تضعیف حضور نظامی آمریکا در منطقه است، زیرا چین، حضور آمریکا در منطقه را تهدیدی علیه دسترسی آسان به منابع انرژی منطقه می‌داند و در این میان، جدا نگاه داشتن ایران از شمول دایره قدرت آمریکا از اهمیت بسیاری برخوردار است. مجموعه این عوامل، دلایل اصلی چین در حمایت از برنامه هسته‌ای ایران و مخالفت با درخواست آمریکا برای اعمال تحریم‌های شدیدتر علیه این کشور را آشکار می‌کند. در این شرایط، یک حمله نظامی علیه تأسیسات هسته‌ای ایران می‌تواند منافع چین را به خطر اندازد، زیرا به کشورهای منطقه نشان می‌دهد که چین نمی‌تواند نقش تعیین‌کننده‌ای در تحولات جهانی داشته باشد. از سوی دیگر، اقدام نظامی آمریکا، منافع چین و سرمایه‌گذاری آن



در ایران را نیز به خطر می‌اندازد. بنابراین، زمانی تهدید به احتمال اقدام یک‌جانبه اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران سبب تغییر رویه چین در قبال ایران می‌تواند باشد که این کشور متقاعد شود در صورت عدم همراهی با آمریکا و جامعه بین‌المللی در توقف فعالیت‌های هسته‌ای ایران، اقدام نظامی اسرائیل قطعی خواهد بود. از سوی دیگر، جلب توجه چین به جایگاه اسرائیل در منافع آن در منطقه نیز می‌تواند مؤثر باشد، زیرا نگاه چین به اسرائیل از رویکرد آن به مسائل بین‌المللی نشئت می‌گیرد و در این رویکرد، اسرائیل یک دارایی مؤثر برای منافع چین در منطقه - به ویژه در مقایسه با نفت مسلمانان - نیست. لذا تلاش برای درک منافع چین در خاورمیانه و نفوذ در فرآیند سیاستگذاری آن از اهمیت بسیاری برخوردار است.



عنوان: ریشه همه ترس‌ها^۱

نویسنده: آریل ایان راث

منبع: Foreign Affairs^۲

روابط اسرائیل و آمریکا پس از پیروزی اوباما در انتخابات آمریکا و به‌ویژه شرایط کنونی با نوسانات بسیاری مواجه شده است. این مسئله به‌ویژه به‌دلیل نگرانی اسرائیل از تلاش‌های اوباما برای حل برنامه هسته‌ای ایران است. در این میان، اسرائیل به‌خوبی می‌داند که تعلل آمریکا و عدم بازرسی از تأسیسات هسته‌ای اسرائیل سبب تولید بمب در این کشور شد و ازسوی دیگر همین مسئله در مورد کره شمالی نیز اتفاق افتاده و با رویکرد کنونی دولت اوباما، ایران نیز از این قاعده مستثنا خواهد بود، لذا با طولانی شدن روند مذاکره ایران و آمریکا، ایران می‌تواند فرصت ساخت بمب را به‌دست آورد. در این شرایط، ترس اسرائیل از ایران به‌دلیل امکان استفاده از بمب اتمی علیه اسرائیل و یا امکان انتقال آن به حماس یا حزب‌ا... است. اما باید دانست این سناریو چندان محتمل نیست، زیرا توان هسته‌ای ایران به هر میزان که گسترده باشد به توان و قدرت هسته‌ای اسرائیل نمی‌رسد و ازسوی دیگر اسرائیل از طریق زیردریایی خود، توان ضربه دوم به ایران را نیز در اختیار دارد. ازسوی دیگر، ایران هیچ‌گاه توان اتمی خود را به حزب‌ا... منتقل نمی‌کند. در واقع هیچ کشور اتمی این برتری خود را به دیگران منتقل نمی‌کند.

در این میان، اگرچه برخی تحلیلگران، عقلانیت ایران در سیاست خارجی را زیر

1. Ariel Iran Roth, "The Roots of all Fears", Foreign Affairs, November, 2009.

۲. امور خارجی از مهمترین نشریات در حوزه روابط بین‌الملل است.



سؤال برده‌اند، اما باید توجه داشت که این کشور در سیاست خارجی خود محافظه‌کار است. در واقع ایران در سیاست اتمی خود دو هدف منطقه‌ای را دنبال می‌کند که یکی رسیدن به هژمونی منطقه‌ای و دیگری گسترش اسلام بنیادگراست که البته هیچ‌کدام از این دو هدف نیز از طریق درگیری اتمی با اسرائیل محقق نمی‌شود. در واقع نیاز ایران به انرژی هسته‌ای جهت پرستیژ این کشور است و ازسوی دیگر مسئله بازدارندگی این سلاح‌ها اهمیت زیادی برای ایران دارد. با توجه به این مسئله، باید ترس اسرائیل از ایران را در جای دیگر بررسی کرد.

براین‌اساس، ترس اسرائیل از انگیزه‌های هسته‌ای ایران به‌دلیل آن است که برتری کیفی تسلیحاتی اسرائیل نسبت به سایر کشورهای منطقه مورد تردید قرار گیرد. استراتژی دفاعی اسرائیل بر این مبنا استوار است که کشورهای منطقه، حذف اسرائیل را بسیار پرهزینه تصور کنند و از انجام آن منصرف شوند، اما برنامه هسته‌ای ایران سبب می‌شود که ایران همراه با سایر کشورهای مخالف صهیونیسم، نظامی امنیتی علیه اسرائیل طراحی کند. ازسوی دیگر، امکان اشاعه تسلیحات به سایر کشورها از جمله مصر و عربستان نیز وجود خواهد داشت و علیرغم روابط خوب اسرائیل و مصر امکان تغییر شرایط در آینده به‌وجود خواهد آمد.

مجموعه این شرایط سبب می‌شود اسرائیل هر موضعی را که در قبال ایران هسته‌ای اتخاذ می‌کند براساس استراتژی نظامی و ایده شکست‌ناپذیری باشد.



عنوان: تحریم ایران فقط در صورتی که آسان باشد^۱

نویسنده: سوزان مالونی

منبع: The Washington Quarterly^۲

دولت اوپاما درحالی به قدرت رسید که مصمم بود مسیر جدیدی در قبال ایران طی کند، اما تحولات مربوط به انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۰۹ باعث شد که چشم‌انداز سیاست جدید دولت آمریکا در قبال ایران در ابهام قرار گیرد. این تحولات اگرچه نتوانسته‌اند دیپلماسی دولت جدید آمریکا را از مسیر خود خارج کنند، اما تمامی انتظارات را برای حل سریع و پایدار مسئله یا کاهش تخاصم بین دو طرف نابود کردند. این درحالی است که روند تصاعدی نگرانی‌های بین‌المللی نیز در رابطه با جاه‌طلبی‌های هسته‌ای ایران شدت گرفته است. پس از بروز ناآرامی‌ها در ایران، مناظرات داخلی آمریکا درباره نوع سیاستگذاری در قبال ایران دوباره به سیاست قدیمی چماق و هویج - البته با تأکید بر عامل چماق - بازگشت. اگرچه حداقل تا ماه دسامبر سال ۲۰۰۹. موضع رسمی دولت آمریکا تأکید بر دیپلماسی بوده است، اما اکنون گفتمان حاکم آمریکایی بر این باور است که سیاست آمریکا با ناکامی مواجه شده و باید برای جلوگیری از دستیابی ایران به بخش‌های نهایی زیرساخت هسته‌ای خود، بر اقدامات تنبیهی بیشتری متمرکز شد. هرچند دور اول مذاکرات هسته‌ای ایران و غرب به نتایج مثبت موقتی رسید، اما کمیته‌های مختلف کنگره آمریکا در طی این دوره، مشغول تدارک تحریم‌های یک‌جانبه - به‌خصوص در موضوع تحریم فروش

1. Suzanne Maloney, "Sanctioning Iran: If Only It Were So Simple", Washington Quarterly, Winter, 2010.

۲. فصلنامه واشینگتن، از فصلنامه‌های معتبر در حوزه سیاست بین‌الملل است.



فرآورده‌های نفتی - علیه ایران بودند.

در این شرایط، اجماع جدید در داخل آمریکا این است که باید به سمت اتخاذ اقدامات «فلج‌کننده» عزیمت کرد و اگرچه هدف اعلامی در این زمینه، نابود کردن و اختلال در روند کسب توانمندی هسته‌ای توسط ایران است، اما هدف دیگر مسیر جدید، تسهیل وقوع تحولات دمکراتیک در داخل ایران است.

با این حال، ادعای فلج کردن اقتصاد ایران، یک مغالطه و در عین حال خطرناک است. بررسی سابقه چنین اقداماتی و همچنین سیاست‌هایی که درحال حاضر در این چارچوب اجرا می‌شوند بیانگر این است که اقدامات تنبیهی اقتصادی نمی‌توانند اولویت‌های امنیتی ایران را تغییر دهند. همچنین عنصر اصلی تضمین‌کننده تأثیر چنین تحریم‌هایی عبارتند از: دوام تحریم و حمایت عمومی از آنها، که هیچ‌یک در مورد ایران وجود ندارند. همچنین ایرانی‌ها عادت کرده‌اند که در برابر تحریم‌ها، اقدامات جبرانی و خنثی‌کننده مناسب انجام دهند. ترکیب این سه عنصر یعنی مقاومت سیاست‌های امنیتی ایران در برابر فشارهای اقتصادی، عدم حمایت عمومی از سیاست‌های تحریمی و در نهایت اقدامات جبرانی ایران برای کاهش آثار سوءتحریم‌ها بیانگر این واقعیت هستند که تمرکز جدید کنگره و دولت آمریکا برای تحریم‌های جدید بی‌فایده است. هرچند این تحریم‌ها می‌توانند مفید بودن مذاکره را به ایران تفهیم کنند، اما توانایی مجبور کردن ایران به بازنگری در عقاید و رفتارشان را ندارند. براین اساس مهمترین اهرم باقیمانده همان تداوم مذاکره و دیپلماسی با ایران است.



عنوان: ایران با تحریم‌های بیشتری مواجه می‌شود^۱

نویسنده: دانیل دومبی

منبع: Financial Times^۲

نویسنده در این مقاله، هشدار تازه آمریکا به بانک‌های بین‌المللی را نشانه‌ای از تغییر جهت در سیاست‌های این کشور در قبال ایران دانسته است. نویسنده اعلام می‌کند که با توجه به اینکه سیاست غرب در برقراری تماس و گفتگو با ایران تاکنون به نتیجه‌ای نرسیده است، بنابراین در سال جدید میلادی، سیاست آمریکا به سمت اعمال فشار و تحریم‌های بیشتر تمایل پیدا خواهد کرد. دولت آمریکا اقدامات تنبیهی موجود را تشدید کرده و مشغول گفتگو با کشورهای دیگر برای اعمال سختگیری و تحریم در زمینه معاملات سوخت، حمل‌ونقل و مناسبات بانکی با ایران است. بخش دیگر این اقدامات، ترغیب بانک‌ها و مؤسسات مالی بین‌المللی به قطع رابطه با ایران است تا در غیر این صورت از این پس مشمول مجازات‌های دولت آمریکا شوند. در این زمینه، جریمه سنگین و بی‌سابقه در مورد بانک کردیت سوئیس پیام صریحی به تمام مؤسسات مالی جهان است که نشان می‌دهد تماس با ایران برای آنها هزینه سنگینی خواهد داشت. در این شرایط، به دلیل گسترده‌تر بودن دامنه تحریم‌ها، دولت و مؤسسات مالی ایران برای محفوظ نگاه داشتن عملیات پولی خود ناگزیرند از روش‌های متنوع و پیچیده‌تری استفاده کنند چنانچه فایننشال تایمز از قول مقامات آمریکایی می‌افزاید بانک کردیت

1. Daniel Dombey, "Iran faces global push towards more sanctions", Financial Times, 15 December, 2009.

۲. فایننشال تایمز از نشریات معتبر و تأثیرگذار که به تحلیل طیف گسترده‌ای از مسائل می‌پردازد.



سوئیس حدود ۱۰ سال پیش به ایران کمک کرده بود تا مبلغی معادل ۱/۶ میلیارد دلار را معاوضه کند. ایران از طریق تغییر دادن اطلاعات حواله‌های بانکی سعی کرده بود هویت کشور اصلی دخیل در این معامله را پنهان نگاه دارد. مقامات آمریکایی می‌گویند حذف نام کشور اصلی و زدودن اطلاعات دیگر از حواله‌های بانکی اکنون روشی شناخته شده است، به همین دلیل ایران می‌کوشد از روش‌های پنهانی دیگر برای انجام معاملات بانکی خود استفاده کند. نویسنده اعتقاد دارد اکنون ایران بیش از هر زمان دیگری نسبت به ۱۰ سال گذشته از نظر مناسبات بانکی و مالی در انزوا قرار گرفته است. یک دلیل آن برطرف شدن اختلافات آمریکا و اروپا در مورد چگونگی مناسبات اقتصادی با ایران است. دلیل دیگر این است که هم‌اکنون مؤسسات مالی جهانی اقدامات تنبیهی آمریکا را تنها یک سیاست محدودکننده نمی‌دانند، بلکه آن را نموداری برای تشخیص خطر سرمایه‌گذاری تلقی می‌کنند. به نظر می‌رسد گام بزرگ بعدی، تصویب تحریم‌های بیشتر در شورای امنیت سازمان ملل متحد علیه ایران باشد. با وجودی که آمریکا، فرانسه و بریتانیا تحریم صدور بنزین به ایران را مورد بررسی قرار داده‌اند، ولی به اعتقاد بسیاری از کارشناسان بعید است که چین با توجه به مناسبات رو به رشدی که با ایران دارد، با این تحریم موافقت کند. با وجود این، آمریکا و متحدانش امیدوارند که بتوانند عرصه‌های جدید از سرمایه‌گذاری در صنعت انرژی، کشتیرانی و حمل‌ونقل دریایی، مؤسسات مالی و صنعتی وابسته به سپاه پاسداران ایران را در تحریم‌های جدید خود بگنجانند. گام بعدی تصویب این تحریم‌ها در نهادهایی مثل سازمان ملل متحد، اتحادیه اروپا و مجامع بین‌المللی دیگر خواهد بود.



عنوان: ایران و سخنرانی سالیانه اوباما در کنگره: بازگشت به آینده^۱

نویسنده: فلینت لورت و هیلاری من لورت

منبع: Race for Iran^۲

اوباما در اولین سخنرانی سالیانه در کنگره آمریکا تمرکز اندکی بر حوزه سیاست خارجی داشت که این مسئله بیانگر دستاوردهای اندک یکساله دولت وی بوده و شاهد نوعی عقب‌گرد استراتژیک در مورد سیاست آمریکا در قبال ایران نیز به حساب می‌آید. وی در این سخنرانی، ایران و کره شمالی را در یک مقوله قرار داد و هیچ‌اسمی از سیاست تعاملی خود نیز به میان نیاورد. در واقع اکنون اوباما به جای دیپلماسی تعامل با ایران به سمت دیپلماسی جدیدی درباره ایران حرکت کرده است. با وجود این، نبود یک استراتژی مدون برای نوع تعامل با ایران در کنار عدم وجود چنین استراتژی برای پرداختن به مسائل خاورمیانه باعث شده که اساساً توانمندی‌های منطقه‌ای ایران برای حل مسائل خاورمیانه و مشکلات سیاست منطقه‌ای آمریکا نادیده گرفته شود. این مسئله سبب می‌شود که در سیاست اوباما و در سیاست او در کنگره نیز نقش منطقه‌ای ایران عملاً نفی شود. براین اساس، به نظر می‌رسد با سیاست جدید اوباما در قبال ایران احتمال بروز جنگ نیابتی بین ایران و آمریکا در منطقه در سال دوم ریاست‌جمهوری اوباما شدت خواهد گرفت.

1. Flynt Leverett and Hillary Mann Leverett, "Iran and Obama's State of the Union Address: Back to the Future", Race for Iran, 30 January, 2010.

۲. مسابقه بر سر ایران، یکی از پایگاه‌های خبری و تحلیلی موافق تعامل با ایران و ضد جنگ و محافظه‌کاران آمریکاست.



عنوان: غرب سیاست خود در قبال ایران را تغییر دهد^۱

نویسنده: تیموتی گارتن‌اش

منبع: Guardian^۲

تیموتی گارتن‌اش استاد علوم سیاسی و از نویسندگان روزنامه گاردین در تحلیلی از تحولات سیاسی ایران و تأثیر آن بر مناسبات جامعه بین‌المللی با این کشور می‌نویسد: «تحول سیاسی در ایران برای غرب فقط یک موضوع اخلاقی و معنوی نیست، بلکه بهترین امکان و امید برای دستیابی به اهداف باراک اوباما، رئیس‌جمهوری آمریکا، برای محدود کردن برنامه‌های هسته‌ای آن کشور است». نویسنده در ابتدای تحلیل خود یادآوری می‌کند که همزمان با روزهایی که جهان غرب در تعطیلات کریسمس و سال نو به سر می‌برد بسیاری از ایرانیان با به خطر انداختن جان خود به خیابان آمده و علیه یک رژیم دست به تظاهرات زدند. اکنون غرب باید بیدرنگ سیاست خود در قبال ایران را تغییر دهد. به اعتقاد این تحلیلگر گاردین، ادامه اعتراضات در هفت‌ماه گذشته در ایران ثابت می‌کند که این جنبش سیاسی نه تنها ادامه یافته، بلکه عمیق‌تر و شدیدتر شده است. بنابراین با توجه به این مسئله و در شرایطی که مردم ایران جان خود را به خطر می‌اندازند واقعاً شرم‌آور خواهد بود اگر تنها چیزی که از غرب به گوش آنها می‌رسد این باشد که «تنها مسئله مهم برای غرب بحران هسته‌ای است». در این میان، بخشی از تظاهرکنندگان در روز عاشورا جواب

1. Timothy Garton Ash, "These protests should shame the west into a change of policy on Iran", 6 January, 2010.

۲. گاردین از نشریات پر تیراژ است که طیف گسترده‌ای از مسائل را منعکس می‌کند.



خشونت نیروهای سرکوبگر را با خشونت دادند. شاید هنوز نتوان این حرکت را با جنبشی که به انقلاب ۱۳۵۷ منجر شد مقایسه کرد، ولی بدون شک این عمیق‌ترین بحران سیاسی در حیات رژیم اسلامی است. نویسنده یادآوری می‌کند که حکومت اسلامی هنوز از تمامی توان سرکوب خود استفاده نمی‌کند. موضوع دیگر وضعیت وخیم اقتصادی ایران است که از نظر نویسنده، این شرایط پس از اجرای برنامه دولت احمدی‌نژاد برای حذف یارانه‌ها تشدید خواهد شد. به اعتقاد تحلیلگر گاردین، اوضاع فعلی ایران مشابه هر شرایط انقلابی است که چگونگی تداوم و نتایج آن به حرکات خودانگیخته و غیرقابل پیش‌بینی مردم و سیاست‌های حکومتی بستگی خواهد داشت. هیچ‌کس نمی‌تواند به‌درستی سرانجام این وضعیت را پیش‌بینی کند، ولی یک نکته مسلم است و آن اینکه این یک بحران ایرانی و محصول خود ایران است و باید توسط خود ایرانیان حل و فصل شود. پس از هفت‌ماه تعمیق بحران، آمریکا و اروپا باید در سیاست خود در قبال این کشور تجدید نظر کند. سیاست آمریکا در قبال ایران پیش‌برد دو مسیر همزمان یعنی مذاکره بدون پیش‌شرط و در صورت شکست مذاکرات، روی آوردن مجازات‌های سختگیرانه‌تر بوده است. این سیاست‌ها اگرچه یک‌سال پیش درست بوده‌اند، اما اکنون نیز کاملاً نادرست نیست.

به اعتقاد نویسنده در یک‌سال اخیر، یک تحول مهم در تعاملات غرب با ایران روی داده است و در شرایط کنونی، بهترین راه برای جلوگیری از تبدیل شدن ایران به کشوری دارای سلاح هسته‌ای، متحول کردن نظام سیاسی است. این تحلیلگر گاردین در ادامه تأکید می‌کند که یک چنین حکومتی، مسلماً مذاکرات سازنده‌تری با جامعه بین‌المللی خواهد داشت و به نتایج آن وفادارتر خواهد ماند. چنین تحولی در



ایران می‌تواند واقع‌گرایانه‌تر از تلاش برای اقتناع روسیه و چین برای اعمال تحریم‌های بیشتر علیه حکومت ایران باشد. اما از مصاحبه‌های مقامات ارشد دولت آمریکا چنین برمی‌آید که سیاست آنها بهره‌برداری از بحران داخلی ایران برای وادار کردن حکومت اسلامی به عقب‌نشینی‌های کوچک در مذاکرات هسته‌ای است. این یک معادله نادرست است. تحلیلگر گاردین تأکید می‌کند که الفاظ و تصاویر گاه حتی از اقدامات سیاسی تأثیر بیشتری دارند. درحال حاضر پیامی که از سوی آمریکا و اروپا به ایران فرستاده می‌شود باید این باشد که «ما به مذاکره حتی مذاکره بدون پیش‌شرط علاقه داریم، اما تا زمانی که حکومت ایران مردم خود را به این شکل سرکوب می‌کند، تا زمانی که حقوق شهروند و موازین اساسی و جهانشمول حقوق بشر نقض می‌شوند، ما هیچ عجله‌ای برای فشردن دست حکومت ایران نداریم». یک چنین پیامی با معیارهای جامعه غربی و منافع غرب انطباق بیشتری دارد. در پایان این مقاله، تحلیلگر روزنامه گاردین پیشنهاد می‌کند با توجه به اینکه دولت آمریکا هنوز به‌دنبال ادامه سیاست‌های گذشته خود در قبال ایران است دولت‌های اروپایی با در نظر گرفتن قدرت مانور بیشتر، به‌دلیل مناسبات اقتصادی با ایران، باید در این زمینه پیش‌قدم شوند. بنابراین، اگر اتحادیه اروپا با ساختار جدید و تعیین مسئولی برای سیاست خارجی خود مدعی پیش‌برد یک سیاست خارجی مؤثرتر است باید دید که در این زمینه چه می‌تواند بکند.



عنوان: آیا زمان خروج ایران از NPT رسیده است؟^۱

نویسنده: نادر باقرزاده و ثریا سپه پوراوولریچ

منبع: Campaign Against Sanctions and Military Intervention in Iran^۲

ماده (۴) پیمان «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (NPT) اذعان دارد که «حق لاینفک» «کشورهای فاقد سلاح هسته‌ای» است که به تحقیق، توسعه و به‌کارگیری انرژی هسته‌ای برای مصارف غیرنظامی بپردازند. پیمان NPT همچنین در نظر گرفته است که کشورهای صاحب انرژی هسته‌ای بتوانند با کشورهایی که این انرژی را در اختیار ندارند، به‌طور کامل به تبادل اطلاعات اقدام کنند. ایران به‌عنوان کشوری که سلاح هسته‌ای ندارد، از حق خود در پیمان NPT و از انتقال فنون و تبادل فناوری محروم مانده است. با این وضعیت، اکنون این سؤال مطرح می‌شود که چرا ایران باید خود را متعهد به عضویت در NPT بداند؟

زمانی که جان بولتن، نماینده سابق آمریکا در سازمان ملل سرگرم طراحی تحریمات غیرقانونی علیه ایران بود، در واقع این امید را داشت که کاسه صبر ایران را لبریز کند تا تهران تحت این فشارها از NPT خارج شود و با این بهانه شعله جنگی دیگر در خاورمیانه برافروخته شود. اما علیرغم تمامی این تزیینات و فشارها، ایران قویاً به قوانین بین‌المللی متعهد باقی ماند، با این باور که روزی عدالت بر بی‌عدالتی چیره خواهد شد، چیزی که اتفاق نیفتاد. در این میان، آژانس بین‌المللی انرژی اتمی، در

1. Nader Bagherzadeh & Soraya Sepahpour-Ulrich, "Iran: Time To Leave The NPT?", Campaign Against Sanctions and Military Intervention in Iran, December, 2009.

۲. جبهه مبارزه علیه تحریم و مداخله نظامی علیه ایران، مقالات انتقادی نسبت به رویکرد غرب علیه ایران را منعکس می‌کند.



واقع از سال ۲۰۰۳ نسبت به تعهدات خود در رابطه با توافقنامه حفاظتی سال ۱۹۷۴، نسبت به ایران نیز وفادار باقی نمانده است. آژانس همچنین، وظایف خود را در رابطه با تسهیل سوخت‌گیری جهت راکتور کوچک تهران که اغلب برای مواردی چون ایزوتوپ‌های کوتاه‌مدت پزشکی به‌کار می‌روند، انجام نداد. آژانس تاکنون، تحت فشار آمریکا، چندین برنامه تکنیکی و فنی در رابطه با حفاظت و امنیت هسته‌ای با ایران را لغو کرده است. آژانس، تحت فشار آمریکا، برخلاف پیمان سال ۱۹۷۴ به یک نهاد بازرسی جنگ‌افزارها تقلیل پیدا کرده که در جستجوی اطلاعات در مورد مسائل امنیت ملی، برنامه موشکی و حتی ظرفیت ساخت سلاح‌های معمولی و غیرهسته‌ای ایران است. آژانس با نقض صریح ماده (۹) قرارداد سال ۱۹۷۴، اطلاعات حساس تکنولوژی هسته‌ای ایران را در اختیار کشورهای دیگر عضو قرار داده است. آژانس همچنین این اطلاعات حساس را در اختیار منابع غیرمتخصص که با دشمنان ایران ارتباط دارند، قرار داده است. از همه مهمتر، آژانس تحت فشار آمریکا، مسئله‌ای که تنها یک اشکال فنی بود را به «فصل هفتم منشور سازمان ملل» در پیگیری ضمانت‌های اجرایی مجازات، ارجاع داد، عملی که تنها در صورت روشن و قطعی بودن وجود یک برنامه تسلیحات هسته‌ای می‌باید صورت بگیرد.

نقض آشکار حقوق ایران در چارچوب NPT به‌وسیله آژانس بین‌المللی هسته‌ای، ناظران را به فکر فرو می‌برد که تا زمانی که آمریکا فشار می‌آورد، آیا این نهاد قادر است به مسئله پرونده هسته‌ای ایران خاتمه دهد و موقعیت این پرونده به حالت عادی بازگردد؟ برای دولت ایران غیرعملی است که تصور کند که حتی با وجود همکاری همه‌جانبه با آژانس، این آژانس برخلاف خواسته‌های دولت اوباما، روزی به ایران حق



قانونی «غنی‌سازی» را اعطا کند. در نهایت، همان‌طور که شاهد بودیم، وقتی که جریان معروف «کامپیوتر لب‌تاپ» حاوی اطلاعات ساختگی و صحنه‌سازی شده درباره برنامه هسته‌ای ایران مطرح شد، از نظر موقعیت زمانی، هنگامی بود که ۶ مورد انتقاد آژانس به برنامه هسته‌ای ایران مشروع و قابل توجیه نبودند.

در این میان اگرچه اوپاما گفتگو با ایران را تا حدی مطرح کرده است. ولی طرح سیاست غنی‌سازی با غنای پایین، در حقیقت ادامه همان سیاست بوش است. زمانی که اوپاما افرادی چون گری سیمور و دنیس راس را برای مسئله ایران انتخاب کرد، مشخص بود که در حقیقت تغییر مشی وجود ندارد، بلکه هدف اوپاما تنها این است که لحن خود را عوض کند تا بتواند برای فشار و یا به قول راس، «چماق بزرگ‌تری» علیه ایران - اگر لازم شد - اقدام کند. علاوه بر این، سفر آقای راس به پکن این مسئله را به خوبی نشان داد با اینکه مسئولیت دنیس راس از وزارت خارجه به دفتر شورای عالی امنیت ملی کاخ سفید منتقل شده، اما هنوز وی از طراحان سیاست اوپاما در مورد ایران است.

علاوه بر اینکه، کشورهای غربی سیاست غیرمشروع آژانس در مورد پرونده هسته‌ای ایران را شکل می‌دهند، همپای آنها رسانه‌های غربی هم از ایران در مورد مسائل هسته‌ای، یک چهره یاغی ترسیم می‌کنند. بنابراین ماشین تبلیغاتی غرب به راه افتاده و چنان جو ساختگی ایجاد کرده‌اند که در یک نظرسنجی، ۵۰ درصد شهروندان آمریکایی از یک عملیات نظامی علیه ایران - علیرغم آنکه کشورشان هنوز در باتلاق افغانستان و عراق گیر کرده است - حمایت می‌کنند.

در این شرایط، آخرین گزارش آژانس نیز همچنان انتظارات غیرمنطقی از ایران



مطالبه می‌کند که ورای الزامات و چارچوب NPT، عملاً تحریف واقعیت و نمونه دیگری از وارونه جلوه دادن حقایق توسط آژانس است. از سوی دیگر اگرچه مجلس ایران هیچ‌گاه این ماده که ایران را ملزم کند همواره در شروع یک پروژه می‌باید وجود آن را اعلام کند، را تصویب نکرده است، اما در عین حال این مایه طنز است که یک عضو NPT (مانند آمریکا) اجازه داشته باشد که تأسیسات هسته‌ای ایران را تهدید نظامی کند، اما زمانی که ایران نسبت به این تهدیدات موضع دفاعی اتخاذ کند، به وسیله آژانس مورد انتقاد قرار می‌گیرد.

ادامه همکاری ایران با آژانس می‌تواند فراخوانی برای فرصت برابر باشد. اطمینان خاطر در پیگیری هدف مورد نظر در واقع دلیلی بر حقانیت اهدافی است که جنگ با آمریکا را به تأخیر می‌اندازد. با وجود این همکاری با آژانس تاکنون کمکی به توسعه برنامه صلح‌آمیز هسته‌ای ایران نکرده است. آژانس انرژی اتمی ابزار دست قدرت‌های جهانی است و به نظر نمی‌رسد در آینده نزدیک نیز در وضعیت آن تغییری حاصل شود. در واقع، این‌گونه که اوپاما مهره‌های شطرنج چون تحریم بنزین و تحریم‌های عمیق و گسترده دیگر در مقابل ایران را به حرکت در می‌آورد، حتی اگر مخالف جنگ با ایران نیز باشد، ممکن است خود را در مسیری قرار دهد که به جنگ ختم شود. بنابراین شاید زمان آن رسیده است که ایران در مورد ادامه عضویتش در آژانس و تعهدش به پیمان «منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای» (NPT) تجدید نظر کند.



عنوان: روحانیت، سپاه و ورای آن: فهم پویش‌های حکومت در ایران^۱

نویسنده: دیوید تالر و دیگران

منبع: Rand Corporation^۲

علیرغم رشد فزاینده قدرت منطقه‌ای ایران پس از سقوط صدام و پیشرفت‌های هسته‌ای تهران و همچنین آشوب‌های پس از انتخابات ریاست‌جمهوری ژوئن ۲۰۰۹، ایالات متحده هنوز از این توانایی برخوردار نیست که بتواند اندازه و کلیت تهدید و چالش برآمده از ایران را اندازه گیرد. علت این ناکامی در دو مؤلفه خلاصه می‌شود: اول نبود روابط بین دو کشور از سال ۱۹۸۰ و دوم ابهام در روند تصمیم‌گیری‌های تهران که موجب می‌شود فهم و پیش‌بینی تصمیم‌های ایران مشکل گردد. لذا سیاستگذاران آمریکایی هم نیازمند دستیابی به تصویر جامع‌تری از نیروهای محرکه رژیم ایران هستند و هم اینکه به چارچوب بهتری برای تفسیر رفتار و گفتار مقامات ایرانی نیاز دارند. در این راستا باید تلاش کرد که پویش‌های موجود و متحول ایران را درست بشناسیم. بدین منظور از یک طرف باید فرهنگ استراتژیک ایران و برداشت‌های ذهنی که موجد رفتارهای سیاسی ایران است را شناخته و از طرف دیگر شبکه‌های غیررسمی قدرت و شخصیت‌های تأثیرگذار در روندهای تصمیم‌سازی را مورد بررسی قرار داد.

لذا مقامات آمریکایی باید نوع گفتار و رفتار خود را با ایران و درباره ایران آنقدر

1. David E. Thaler, Alireza Nader, Shahram Chubin, Jerrold D. Green, Charlotte Lynch, Frederic Wehrey, "Mullahs, Guards, and Bonyads: An Exploration of Iranian Leadership Dynamics", Rand Corporation, 5 January, 2010.

۲. مؤسسه رند از مؤسسات بسیار مهم و تأثیرگذار و وابسته به نیروی هوایی آمریکاست.



محاسبه شده انجام دهند که نوع برداشت آن را در تهران و توسط مخاطبین مختلف داخل ایران مدیریت نمایند. اگر روابط ایران با آمریکا و جامعه بین‌الملل در آینده عادی‌تر شود، آنگاه سیاستگذاران آمریکایی باید این مطلب را متعهد شوند که تعامل با ایران لزوماً به معنای یک واحد یک‌دست و بسیط نیست. یکی از کلیدهای حل وضع موجود آن است که ایالات متحده وارد گفتگو با ایران شود، اما به شرط آنکه نگاهی ظریف و محاسبه شده نسبت به نظام پیچیده حکومت و سیاست که مخاطبین ایرانی حاضر در پشت میز مذاکره نماینده آن هستند نیز داشته باشد.



عنوان: راه حل قدرت نرم در ایران^۱

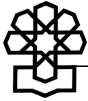
نویسنده: مایکل دوران، جیمز گاسمن

منبع: Wall Street Journal^۲

توجه فوری به بمبگذاران القاعده در هواپیماهای مسافربری آمریکایی اگرچه ضروری است، اما ایران به عنوان حامی تروریسم که به دنبال توانایی شلیک موشک‌هایی با کلاهک اتمی است از اهمیت بیشتری برخوردار است، زیرا فعالیت‌های ایران ممکن است ثبات جهانی و امنیت آمریکا را در معرض بزرگ‌ترین تهدید قرار دهد. از نظر نویسندگان این مقاله، این تهدید را می‌توان از سه طریق کاهش داد که شامل اقدام نظامی، سازش با رژیم کنونی ایران و یا به قدرت رسیدن دولتی جدید با ماهیت خصمانه کمتری نسبت به غرب در ایران است. در این میان، دو راه اول، غیرمحمتمل به نظر می‌رسد، اما راه سوم، دستکم از هنگامی که اعتراضات پس از انتخابات ژوئن گذشته ریاست‌جمهوری به وجود آمده است، واقع‌بینانه و عملی نیز هست. با این حال آمریکا و متحدانش تاکنون از توجه جدی برای پیشبرد راه سوم شانه خالی کرده‌اند. در این زمینه، بلافاصله پس از شروع اعتراض‌های پس از انتخابات در ایران، بعضی از سیاستگذاران در آمریکا استدلال کردند که حمایت آشکار آمریکا از معترضین، به رژیم ایران اجازه می‌دهد تا ادعا کند آنهایی که در موضع اپوزیسیون قرار گرفته‌اند به نوعی وابسته به آمریکا هستند. این درحالی است

1. James k. Glassman and Michael Doran, "The Soft Power Solution in Iran", Wall street journal, 21 January, 2010.

۲. از نشریات پرتیراژ آمریکایی است.



که رژیم ایران بدون هیچ‌گونه مدرکی چنین ادعایی را مطرح کرد حال این سؤال مطرح شده است که آمریکا چگونه می‌تواند از اپوزیسیون داخل ایران حمایت کند؟ از نظر نویسندگان این مقاله، چنین سیاستی چهار وظیفه جداگانه دارد:

- فراهم ساختن حمایت معنوی و آموزشی برای تقویت معترضین

در این زمینه، اولاً باید به جای دولت آمریکا طرف‌هایی ثالث نقش اصلی را ایفا کنند. ثانیاً باید به معترضین تأکید کرد که دیگران با طی همان مسیری که آنان می‌روند موفق شده‌اند. در این زمینه برای مثال، باید گزارش‌هایی منتشر کرد که نشان دهد در اوکراین یا گرجستان چه مواردی کارآیی داشته است. توضیحات رهبرانی نظیر واسلاو هاول از جمهوری چک را نقل کرد و به توزیع فارسی راهنماهای دگرگونی از طرق مسالمت‌آمیز - نظیر آنچه که جین شارپ با عنوان «از دیکتاتوری تا دمکراسی» منتشر ساخته است، یا اثر پیتر آکرمن با عنوان «نیروی قدرتمندتر» - اقدام کرد. براین اساس، زمان آن فرا رسیده است که مستندهایی راجع به سقوط چائوشسکو، میلوسویچ و پینوشه، انتقال قدرت در آفریقای جنوبی و لهستان و دستاوردهای جنبش حقوق مدنی آمریکا به زبان فارسی دوبله شود.

- تشدید تحریم‌های اقتصادی علیه ایران و تشریح ارتباط میان رژیم متخاصم و

اقتصاد بیمار ایران

به‌رغم ثروت‌های نفتی ایران، اقتصاد این کشور سال‌هاست که در نتیجه سوءمدیریت، فساد و هزینه پول‌هایی که صرف حمایت از گروه‌های تروریستی عرب و برنامه اتمی ایران می‌شود، در وضعیت اسف‌باری قرار دارد. چنانچه در این زمینه، شعارهای معترضین نیز نشان می‌دهد که آنها سیاست خارجی رژیم و مشقات و محرومیت‌های

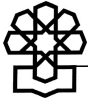


اقتصادی را مرتبط می‌دانند.

انجام تمامی اقدامات ممکن برای افزایش تماس با ایران و افزایش تماس میان ایران با جهان خارج

جنبش‌های اپوزیسیون از طریق مبادله و پخش اطلاعات به موفقیت رسیده‌اند. برنامه‌های رادیو فردا و تلویزیون ماهواره‌ای صدای آمریکا که بودجه آنها را مالیات‌دهندگان آمریکایی تأمین می‌کنند، باید به سرعت تقویت شود و انگلیس را نیز باید به انجام اقدامی مشابه از طریق بی‌بی‌سی تشویق کرد. همچنین باید قویا علیه پخش پارازیت توسط ایران - که نوعی بی‌اعتنایی به قانون بین‌الملل است - اعتراض شود. علاوه بر این به حمایت از رسانه‌های خصوصی، از تلویزیون‌های ماهواره‌ای ویژه افراد جوان گرفته تا شبکه‌های پیام‌رسانی توسط تلفن‌های دستی اقدام و به ایرانیان در کسب تکنولوژی‌های مقابله با اقدامات رژیم برای اعمال سانسور کمک شود.

سرانجام باید به شیوه‌های رایج در کمپین‌ها، چهار مورد اصلی ادعایی در برنامه‌های تبلیغاتی ایران را قویاً رد و خنثی کرد. این چهار مورد عبارتند از: اینکه خواست‌های اصلاح‌طلبان مردمی نیست و آنها به کشورشان خدمت نمی‌کنند، اینکه آمریکا ضعیف شده است و می‌خواهد از طریق معامله‌ای با ایران خود را از دشواری‌های خاورمیانه رها کند. اینکه برنامه اتمی ایران موجب پیشبرد فناوری کشور می‌شود و اینکه مخالفت بین‌المللی با این برنامه، توطئه‌ای توسط غرب برای نگاهداشتن ایران، به عنوان کشوری مسلمان، در سطح یک کشور فقیر و عقب‌افتاده است. در این مورد اخیر، مزیت‌های نسبی آمریکا، شامل تکنولوژی و آینده‌نگری، بهترین ابزار برای اقدام علیه ایران است. برای مثال برای مقابله با این ادعا که غرب



می‌خواهد ایران را عقب‌افتاده نگاه دارد، دولت آمریکا با استفاده از یک بنیاد خصوصی می‌تواند مدیران شرکت‌های فعال در تکنولوژی را تشویق کند که به ایرانیان دانشجوی رشته مهندسی، سمینارها و کارآموزی‌های فناوری سطوح بالا را عرضه کنند. دولت ایران به احتمال قوی با چنین برنامه‌ای مخالفت خواهد کرد و در آن شرایط، پیام غرب این خواهد بود که این رژیم مستقر در کشور شما - و نه غرب - است که می‌خواهد شما را عقب‌مانده نگاه دارد.



عنوان: جمهوری‌هراسی ایرانیان^۱

نویسنده: مهدی خلجی

منبع: The Washington Institute for Near East^۲

نویسنده در این گزارش با اشاره به تحولات سیاسی ایران پس از انتخابات ریاست‌جمهوری تلاش می‌کند با رویکردی یک‌سویه و غرض‌آلود، سیاست نظام در قبال مخالفین را براساس استراتژی‌هراس مورد ارزیابی قرار دهد. براساس این، نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند سیاست ایران مبتنی بر اندیشه‌های قرآنی و ایده‌های مذهب تشیع بر ضرورت تقویت قدرت و بازدارندگی قرار دارد و در این استراتژی، ایجاد هراس به‌منظور توقف اقدامات مخالفین یک مسئله اساسی است. از نظر نویسنده، تصمیم‌گیرندگان جمهوری اسلامی ایران هم‌اکنون از احتمال کم اقدام نظامی علیه ایران مطمئن شده‌اند و بر ناکارآمدی رژیم تحریم‌های اقتصادی علیه کشورشان نیز واقف هستند. لذا در این شرایط، تهدیدات خارجی از نظر آنان اهمیت چندانی ندارد و مؤثر نیست، اما مطالبات سیاسی و انسانی داخلی از سوی مردم برای آنان یک مشکل تلقی می‌شود، زیرا در مدت ۳۰ سال گذشته، جمهوری اسلامی ایران با تأکید بر تهدیدات خارجی همواره توانسته است به بسیج نیروهای داخلی کمک کند و انتقادات مردم از شرایط داخلی را کاهش دهد. نویسنده در ادامه تأکید می‌کند از زمان برگزاری انتخابات تاکنون و در شرایط کنونی، نگرانی ایران از تهدیدات نرم و

1. Mehdi Khalaji, "The Iranian Republic of fear", The Washington Institute for Near East Policy, 21 January, 2010.

۲. مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک از مهمترین مؤسسات پژوهش در حوزه مسائل منطقه خاورمیانه است.



دستیابی به تکنولوژی جهانی و ماهواره‌ها و ... تشدید شده است. از سوی دیگر سیاست خارجی ایران نیز تحت تأثیر تحولات داخلی قرار گرفته و با تحولات ایران، موازنه قدرت به ضرر دولت ایران شده است، چنانچه تغییر موضع ایران از تعامل با غرب در مسئله هسته‌ای در ژنو به رویکرد انعطاف‌ناپذیر آن در وین و پس از آن نیز نشان‌دهنده این مسئله بوده است. نویسنده در ادامه گزارش، تداوم مخالفت‌ها علیه دولت ایران را یک ابزار مؤثر غرب علیه برنامه هسته‌ای ایران دانسته و آن را اهرم مناسبی برای تشدید فشار علیه نظام جمهوری اسلامی ایران قلمداد کرده است. در واقع از نظر نویسنده، در این شرایط، حمایت از حقوق بشر و دمکراسی در ایران برای غرب نه تنها یک مسئله اخلاقی محسوب می‌شود، بلکه این موضوع یک اولویت استراتژیک برای تضعیف نظام نیز به حساب می‌آید و از این طریق، امکان مصالحه با دولت ایران در مورد برنامه هسته‌ای آن تقویت می‌شود.



عنوان: افکار عمومی عربستان حامی تحریم ایران و مردد در حمله نظامی به آن است^۱

نویسنده: دیوید پولاک

منبع: The Washington Institute for Near East policy^۲

نویسنده در این گزارش به بررسی افکار عمومی منطقه خاورمیانه و به‌ویژه عربستان در قبال برنامه هسته‌ای ایران پرداخته و براساس نظرسنجی یکی از مؤسسات معتبر که در این کشور صورت گرفته است، رویکرد آنان در قبال برنامه هسته‌ای ایران را مورد ارزیابی قرار داده است. نویسنده در ابتدای گزارش تأکید می‌کند که براساس نظرسنجی یک مؤسسه معتبر منطقه‌ای، بسیاری از شهروندان عربستانی از تشدید اقدامات سختگیرانه علیه ایران حمایت می‌کنند که در این میان، تحریم‌های اقتصادی اولویت مؤثرتری از نظر آنان برای مقابله با فعالیت‌های هسته‌ای ایران بوده است. در واقع براساس نظرسنجی که از ۱۰۰۰ شهروند عربستان و مصر صورت گرفته است، اکثریت قابل توجه آنان از اعمال تحریم‌های جدید اقتصادی علیه ایران حمایت کرده‌اند به‌گونه‌ای که ۵۷ درصد از شهروندان عربستان خواستار تشدید تحریم‌ها در صورت تداوم برنامه هسته‌ای ایران شده‌اند و در این میان ۲۲ درصد از این تعداد نیز حامی سرسخت این دیدگاه بوده‌اند. ازسوی دیگر یک‌سوم شهروندان عربستان نیز موافق اقدام نظامی آمریکا علیه تأسیسات هسته‌ای ایران بوده‌اند و البته دوسوم نیز مخالف تشدید حمله آمریکا علیه ایران بوده‌اند. در این میان، تنها یک‌چهارم شهروندان

1. David pollock, "Saudi public Backs Iran Sanctions but Split on Military Action", The Washington Institute for Near East Policy, 12 January, 2010.

۲. مؤسسه واشنگتن برای سیاست خاور نزدیک از مهمترین مؤسسات پژوهشی در حوزه مسائل منطقه خاورمیانه است.



عربستان با اقدام نظامی اسرائیل علیه ایران تا حدی موافقت داشته‌اند. نویسنده در ادامه تأکید می‌کند که با وجود این، در یک نظرسنجی باز از شهروندان عربستان در مورد تهدیدات موجود از نظر آنان، ایران به نسبت تروریسم و افراط‌گرایی منطقه‌ای، یک تهدید خارجی کم‌خطرتر به حساب آمده است. در این میان، علاوه‌بر تهدیدات خارجی امنیتی، مشکلات اقتصادی نیز در لیست تهدیدات و خطرات موجود مورد تأکید قرار گرفته‌اند.

ازسوی دیگر نویسنده با اشاره به نظرسنجی دیگری که در میان شهروندان مصری صورت گرفته است تأکید می‌کند که دیدگاه آنان با رویکرد شهروندان عربستانی متفاوت است و تنها کمتر از ۴۰ درصد آنان از تشدید تحریم‌ها علیه ایران حمایت می‌کنند و یک‌چهارم آنها موافق اقدام نظامی آمریکا علیه ایران هستند و فقط ۱۷ درصد با اقدام یک‌جانبه اسرائیل علیه تأسیسات هسته‌ای ایران موافقت دارند.

نویسنده در پایان گزارش با ارزیابی نظرسنجی‌های مذکور تأکید می‌کند که اگرچه عربستان و مصر دو رژیم دمکراتیک نیستند، اما آمریکا می‌تواند برای اعمال فشار علیه ایران بر روی حمایت افکار عمومی آنان حساب باز کند، اما برای اقدام نظامی نمی‌توان امیدی به افکار عمومی منطقه داشت. ازسوی دیگر باید توجه داشت افکار عمومی منطقه در حمایت از گروه‌های جهادی نیز یک مانع مهم در برابر سیاست‌های آمریکا در منطقه است؛ چنانچه در این زمینه، ۴۰ درصد مردم منطقه، حمایت مالی از نیروهای جهادی را از وظایف مهم دولتشان برمی‌شمردند و تنها تعداد محدودی از شهروندان کشورهای عربی هستند که بر رویکرد تعاملی در قبال آمریکا و اسرائیل تأکید دارند.



عنوان: مصر و ایران: سی سال بیگانگی^۱

نویسنده: جودت بهجت

منبع: Middle East Policy Council^۲

نویسنده در این مقاله به بررسی روابط ایران و مصر در ۳۰ سال گذشته می‌پردازد و این روابط را با توجه به تحولات داخلی، منطقه‌ای و بین‌المللی مرتبط با این دو کشور مورد ارزیابی قرار می‌دهد. در این راستا، مسائل مذهبی مورد اتکای هر دو کشور در داخل، روابط آنان با تمرکز بر مسئله فلسطین و در ارتباط با حماس و حزب‌ا... و نیز روابط دو و چندجانبه آنان با کشورهای عرب خلیج فارس مورد بررسی قرار گرفته است. همچنین مسائلی نظیر برنامه هسته‌ای ایران و مناسبات امنیتی منطقه خاورمیانه با توجه به مسئله عراق نیز در این راستا تحلیل شده است.

نویسنده معتقد است علیرغم فقدان روابط کامل دیپلماتیک میان ایران و مصر، روابط این دو کشور حتی در سطوح عالی نیز برقرار بوده است و مقامات این دو کشور همدیگر را در حاشیه اجلاس‌های بین‌المللی ملاقات کرده‌اند. ازسوی دیگر تعدادی از مقامات ایرانی به مصر سفر کرده‌اند و با همتایان نیز مذاکره داشته‌اند. در این میان، به نظر می‌رسد مقامات ایرانی به نسبت مقامات مصری، به برقراری روابط با مصر مشتاق‌تر بوده‌اند. این مسئله تا حدودی به این دلیل بوده است که ایران در سی سال گذشته در معرض تحریم‌های آمریکا و اروپا بوده و از این رو تلاش داشته تا

1. Gawdat Bahgat, Egypt and Iran: The 30- year Estrangement, Middle East policy Council, No 4, Winter, 2009.

۲. شورای سیاست خاورمیانه از نشریات مهم در حوزه مسائل خاورمیانه است.



از طریق تنش‌زدایی با کشورهای خاورمیانه و از جمله مصر از شدت فشارها بکاهد. علاوه بر این، ایران همواره معتقد بوده است که تقویت محور تهران - قاهره - دمشق - بغداد می‌تواند سبب افزایش ثبات منطقه‌ای گردد. این درحالی است که مصر نسبت به برقراری روابط با تهران با احتیاط می‌نگرد. در واقع مصر نگران ارتباط ایران با اسلام‌گرایان مصر است.

با وجود این، رویکردهای ایران و مصر در مورد عراق، لبنان و فلسطین در این مدت متفاوت بوده است. در این میان مصر معتقد است ایران به دنبال تقویت روابط خود با اعراب است تا از این طریق روابط خود با غرب را تحت تأثیر قرار دهد. همچنین از نگاه مصر، ایران در امور اعراب مداخله می‌کند این درحالی است که ایران این مسئله را همواره رد کرده است به هر حال این تفاوت رویکرد مصر و ایران سبب شده است که تاکنون و حتی در آینده نزدیک امیدی نسبت به بهبود روابط ایران و مصر وجود نداشته باشد.



شناسنامه گزارش

شماره مسلسل: ۱۰۱۳۷

عنوان گزارش: ماهنامه کاوش (۳۲)

نام دفتر: مطالعات سیاسی (گروه سیاست خارجی)

تهیه و تدوین: محمود هاشمی چمگردانی

ناظر علمی: ناصر جمالزاده

متقاضی: معاونت پژوهشی

ویراستار تخصصی: مهدی جاودانی مقدم

سر ویراستار: حسین صدری‌نیا

واژه‌های کلیدی: —

تاریخ انتشار: ۱۳۸۸/۱۱/۲۱